

دو فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۹، ش ۲ (پیاپی ۱۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

انگیزه روحی انوری در تقاضاییه سرایی

سکینه مرادی

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی (گرایش غنایی)، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

یکی از شاخصه‌های هنر شاعری انوری سرودن قطعه است. در دیوان موجود انوری، در مجموع ۴۳۹ قطعه، ۱۰۰ قطعه تقاضایی وجود دارد که افزون بر تکنیک‌های ناب شعری، از لحاظ مضمون، فصل مشترک ادبا برای چالش درباره روحیه و خلق و خوی انوری است. این پژوهش، با رویکرد توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی ۱۰۰ قطعه تقاضایی انوری و تعیین بسامد و انواع تقاضا به لحاظ مادی و غیرمادی بودن، تلاش می‌کند با مقایسه و تحلیل انواع تقاضا، انگیزه روحی انوری را در سرایش این اشعار دریابد. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، بیشترین قطعات تقاضایی انوری را تقاضاهای مادی با ۹۶ مورد (۸۹/۸ درصد) در مقابل ۱۱ مورد (۱۰/۲ درصد) تقاضای غیر مادی تشکیل می‌دهند. همچنین در میان تقاضاهای مادی، تقاضای خوردنی با ۴۶ مورد تقاضا بیشترین تقاضا را به خود اختصاص می‌دهد. در این میان، شراب با ۳۵ مورد (۳۲/۷ درصد) سهم اصلی را در میان همه تقاضاهای مادی و غیرمادی دارد.

واژگان کلیدی: انوری، قطعه، تقاضاییه، شراب

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۵/۷

Email: sa.moradi4375@gmail.com

۱- مقدمه

اوحدالدین محمد بن محمد اسحاق ابیوردی متخلص به انوری، از شاعران بزرگ قرن ششم است. جایگاه انوری در شعر فارسی به گونه‌ای است که پیشینیان او را یکی از سه پیامبر شعر فارسی می‌دانند. «یکی از شعرا گفته و الحق گوی انصاف سفته:

در سه شعر سه تن پیامبرانند
هر چند که لابی بعدی
اوصاف و قصیده و غزل را
فردوسی و انوری و سعدی»

(جامی، ۱۰۵: ۱۳۶۷)

او فردی ادیب، فاضل و مسلط به علوم روزگار است که به مقتضای زمان، برای گذران امور معیشتی خود و چه بسا کسب جاه و مقام به عنوان شاعر مدیحه‌سرا به دربار سلطان سنجر می‌پیوندد. در میان جمع کثیر شاعران مدیحه‌سرای ادب فارسی، نام و شعر انوری بیش از دیگران بازتاب می‌یابد. «نظام قاری از شعرای قرن نهم، در دیوان البسه خویش، فصلی پرداخته است درباره شاعران و انواع شعر به نام رساله اوصاف شعرا در آن فصل امتیازاتی را که هر کدام از شعرا در یکی از انواع سخن دارند، به زبان ویژه خود مقالات عطار و اسرار مولانا و مخترعات خاقانی و شطحیات سنایی، حقایق عراقی و محرمت نزاری از مدایح انوری یاد می‌کند که وهم از دیده تفکر در آن دوختن قاصر است» (شفیعی کدکنی، ۸۲: ۱۳۷۴).

روال معمول در میان شاعران مدیحه‌سرا، سرودن ستایش نامه‌هایی مملو از تملق و اغراق، در وصف شاهان و حکام روزگار، وزرا، بزرگان و نزدیکان شاهان بنا به مصلحت و یا برای دریافت صله و پاداش است. ستایش نامه‌هایی «مشحون از مطالبی پر مبالغه در وصف ممدوحانی است که اغلب بویی از علم و ادب و گاه حتی تربیت نبرده ... آنچه به‌ندرت در این گونه اشعار مطرح شده، اندیشه‌های بلند، موضوع‌های متعالی از زندگانی بشر و نیازهای معنوی انسان و تحلیل زوایای روح آدمیان است» (وزین‌پور، ۲۱۸: ۱۳۷۴). انوری نیز همسوی دیگر شاعران مدیحه‌سرا در گریز از عسرت و تنگدستی پای در میدان مدیحه‌سرایی می‌گذارد؛ اما در مقایسه با دیگران، نه تنها در ستایش‌گری، مبالغه و تملق، گوی سبقت را از دیگر شاعران می‌رباید؛ بلکه در خواهش‌گری و تقاضای صله و انعام نیز راه افراط را در پیش می‌گیرد؛ «زیرا مدایح در حکم کالاهایی بودند که صاحب هنر یا صنعتی در برابر دریافت مزد برای خواستاران پدید می‌آورد و می‌دانیم که هر متاعی باید طبق تمایل و سفارش مشتری ساخته شود نه بر وفق ذوق و تمایل پیشه‌ور و سوداگر. شاید بتوان گفت که مبالغات سخن‌سرایان و دروغ‌های بزرگ آنان در مدح بیشتر امرا تدبیری بوده برای

دریافت صله و پاداش». انوری در شعرهای خود، تقاضاهای حقیرانه و ناچیزی از ممدوحان خود التماس کرده که نام او را در نوع ادبی ملتسمات یا تقاضا زبانزد اهل ادب کرده است. حسام‌الدین خویی از منشیان معروف دربار سلاجقه روم در قرن هفتم در ملتسمات خود، از انوری یاد می‌کند و او را مبدع نوع شعری ملتسمات می‌داند.

از سرعت طبع همچو الماس	«گویند که انوری شب و روز
بیتی دو رقم زدی به قرطاس	هر چیز که التماس کردی
ای پاک دل و خجسته انفاس	بگذار حدیث انوری را
نه زین شعرای پر ز وسواس	کو سرور عصر خویشتن بود
دانی که گذشته ام ز عباس»	گر ملتسمات من بخوانی

(حسن زاده، ۵۲: ۱۳۹۲)

دکتر شفیع کدکنی ضمن شرح حال انوری، با اشاره به ملتسمات انوری می‌گوید: «از بس که تقاضا در میان شاعران درباری رواج داشته است و بخش قابل ملاحظه‌ای از شعر شاعران درباری را تقاضاهای ایشان تشکیل می‌دهد. بعضی از قدمای اهل ادب و نقد، مقوله‌ای به نام ملتسمات در طبقه‌بندی موضوعی شعرها قائل شده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۱۱۶).

تقاضا یا مُلتَمَسات به سروده‌هایی گفته می‌شود که شاعر در قالب آن‌ها، چیزی یا چیزهایی از ممدوح و مخاطب خود می‌خواهد. این درخواست‌ها می‌توانند جنبه مادی یا معنوی داشته باشند و یا حتی در شکل یک تمنای ساده عاشقانه مطرح شوند. در گستره ادب فارسی از عنوان ملتسمات با نام استعطاف نیز یاد کرده‌اند. «استعطاف در لغت به معنی مهربانی خواستن و در اصطلاح بدیع آن است که شاعر در شعر مدحیه خود تقاضایش را بر درخواست پول، خوراک، لباس، حیوان، کالا، خدمات و با صراحت برای ممدوح خود بیان کند. شاعران اغلب در تقاضاهای‌شان، سعی بر رعایت ادب و احترام داشته‌اند اما گاهی ممدوح را در صورت عدم توجه به درخواست‌شان به هجو تهدید کرده‌اند. استعطاف را تقاضا نیز نامیده‌اند» (انوشه، ۸۵: ۱۳۸۱)

می‌توان گفت که از همان زمان شکل‌گیری شعر پارسی، تقاضا و ملتسمات نیز به نوعی وجود داشته و با رواج قصاید مدحی و رونق بازار صله و به تعبیر دیگر رواج شعر درباری، دامنه‌ی این موضوع نیز گسترده شده است. نمونه‌های بسیاری از این نوع در اشعار رشید و طواط، خاقانی وجود دارد، به‌ویژه در شعر انوری که این شیوه را به نهایت رسانده است

(خالقی راد، ۱۳۷۵ : ۱۱۹). انوری حجم بسیاری از این درخواست‌ها را در قالب قطعات تقاضایی سروده است. «بخش عظیمی از هنر شاعری انوری در میدان قطعه‌سرایی است. شاید از این لحاظ او بزرگترین شاعر زبان پارسی باشد ولی قسمت اعظم این قطعات معروف، تقاضاهای حقیر و گدامنشانه‌ی شاعر شده است که از یک برگ کاغذ گرفته تا یک توبره کاه تا مقداری گوشت و قدری هیزم را در میدان این تقاضاها قرار داده است و چنان استادانه از عهدی این گدایی برآمده است که خواننده نمی‌تواند از تحسین او سرباز زند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۱۷-۱۱۶) در دیوان انوری تصحیح مدرس رضوی، ۴۹۳ قطعه با مضامین گوناگون آمده است. در میان این قطعات، صد قطعه با مضمون تقاضا وجود دارد. با توجه به اهمیت جایگاه انوری در شعر فارسی، پژوهش‌های متعددی در مورد شخصیت، شعر و هنر شاعری انوری صورت گرفته است. اما با وجود پژوهش‌هایی چون:

- عناصر عناصر شریعت دوگانه شاعرانه‌ی انوری، هادی جوادی امام‌زاده و محمد امیر عبیدی‌نیا، مجله شعرپژوهی دانشگاه شیراز، سال ششم، شماره ۱ سوم، ۱۳۹۳، پیاپی ۲۱. صص ۹۲-۷۳.

- بررسی سیمای معشوق در شعر انوری، محمدحسین کرمی و محمد مرادی، پژوهشنامه ادب غنایی، سال هشتم، شماره‌ی پانزدهم، ۱۳۸۹. صص ۱۱۸-۹۹.

و نیز اشاراتی در مورد تقاضاییه‌سرایی انوری در پژوهش‌های ادبی چون شفیع‌ی کدکنی (۱۳۷۲)، وزین‌پور (۱۳)، یوسفی (۱۳۷۳) تاکنون پژوهش مستقلی، به تفصیل به قطعات تقاضایی انوری نپرداخته است. بر این اساس، این پژوهش درصدد است با در نظر داشتن نظرات منتقدان درباره‌ی روحیه گدامنش انوری، با بررسی مجموع صد قطعه تقاضایی انوری، ضمن بررسی بسامد و نیز تفکیک نوع تقاضا از لحاظ مادی یا غیرمادی بودن، علت روحی گرایش انوری به سرودن قطعات تقاضایی را دریابد.

۲- بحث و بررسی

یکی از شاخصه‌های برجسته شاعری انوری، سرودن قطعه است. «انوری به قطعه‌سرایی نزد ادبا معروف است. قطعه‌های خوب که نظیر آن‌ها در دواوین شعرا کم به نظر می‌رسد، بسیار دارد. قسمتی از این قطعه‌ها اخلاقی و قسمت دیگر در سایر اغراض گفته شده است.» (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۳۳۷). در دیوان انوری، تصحیح مدرس رضوی، ۴۹۳ قطعه با مضامین گوناگون آمده است. «با اینکه تعداد قطعه‌های انوری از تعداد قطعه‌های اغلب شاعران دیگر بیشتر است ولی کمتر از آنها مطلب دارد و با این‌که او در عصری می‌زیست که شعر ایران رنگ عرفانی می‌گرفت در دوره و خطه‌ای نه چندان دور از عطار اما شعر او خالی از عرفان

است. به هر حال از میان شاعران قبل از انوری، هیچ شاعری را نمی‌شناسیم که به فراوانی و پختگی او قطعه سروده باشد و از این لحاظ بر دیگران فضل تقدم دارد. بیشترین و مهم‌ترین قطعه‌های انوری عبارت است از: مدح، هجو، خواهش و تقاضا و پند و اندرز اخلاقی» (خالقی راد، ۱۳۷۵: ۲۹۲). در میان مضامین گوناگون، بخش قابل ملاحظه‌ای از قطعات انوری، صد قطعه را ملتمسات یا قطعات تقاضایی تشکیل می‌دهد. این قطعات خطاب به افراد با نام و گاه بی‌نام سروده شده‌است. انوری با این سروده‌ها، با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون، خواسته‌های مورد نظر خود را از ممدوحانش درخواست کرده است. در واقع «هدف اصلی شاعر هم در این‌گونه اشعار همین بود تصرف در نفوس ممدوحان به قصد تحریک سخاوت آن‌ها و هر جا که این مقصود حاصل نمی‌شد عکس‌العمل شاعر سخت بود و غیرشاعرانه. گاه تخلص به نام ممدوح دیگر می‌شد کاری که عنصری هم بدان متهم است و گاه ممدوح تهدید می‌شد و کار به عتاب می‌کشید یا به هجو» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۳۸). انوری در برخی قطعات، رضایت و قدردانی خود را نسبت به ممدوح برای دریافت صله بیان کرده است.

ای خداوندی که پیش لطف خاک پای تو	آب حیوان از وجود خویش بیزاری کند
پای باست زین اگر بر خنگ ایام افکند	فتنه نتواند که در ظلمش ستم کاری کند
روی هر خاکی که از موزه جمالی کسب کرد	تا ابد با زمزم و کوثر کله‌داری کند
موزه خاص تو را دستار کردم از شرف	موزه خاص ترا زبید که دستاری کند
نام میمون تو تا بر ساق او بنوشته‌اند	ساق عرش از رشک آن دولت‌همی زاری کند

(انوری، ۱۳۷۲: ۶۲۳)

گاه نیز طبق الگوی شاعران مدیحه سرا، عدم پذیرش تقاضایش را با شعر هجوی تلافی کرده است.

گفته بودی که کاه و جو بدهم	چون ندادی از آن شدم در تاب
بر ستوران و اقربات مدام	گاه کهتاب باد و جو کشکاب

(همان: ۵۲۰)

با تامل در دیوان انوری به ویژه قطعات او، تعدد و تنوع تقاضاهای انوری جلب توجه می‌کند. تقاضاهای واقعی و یا تفننی که انوری، فارغ از هر آزمی، با احساس کمترین نیاز بی‌درنگ در قالب شعر به ممدوح خود عرضه کرده است. نیازهایی چون سیم گرمابه، کاه،

عرق نسترن، پرداخت وظیفه، کفش، شراب و حتی عزل فردی از مقامش. اما به طور کلی، می‌توان تقاضاهای انوری را در دو دسته مادی و غیرمادی از یکدیگر تفکیک کرد.

۲-۱- تقاضاهای مادی

بیشترین حجم قطعات تقاضایی انوری را درخواست های مادی تشکیل می‌دهد. انوری، در این تقاضاها، از راتبه و صله پرداخت‌نشده تا حقیرترین درخواست‌ها مثل هیزم برای دیگک نیم جوشیده‌اش را از ممدوحانش طلب می‌کند. اما به طور کلی، درخواست‌های مادی انوری در مقطعات را می‌توان در سه گروه خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها، اسباب و لوازم روزمره زندگی قرار داد. در این میان، درخواست شراب از گروه خوردنی‌ها بیشترین سهم را در کل تقاضاهای انوری به خود اختصاص می‌دهد.

۲-۱-۱- خوردنی‌ها:

انوری در ۴۶ مورد از قطعه‌های تقاضایی خود، از ممدوح خود درخواست خوردنی کرده است. خوراک‌هایی چون گوشت، خربزه، سرکه، شکر، نی‌شکر، عرق نسترن و شراب که می‌توان آن‌ها را جزء اقلام مورد استفاده طبقه مرفه جامعه به‌شمار آورد. جدول (۱) نوع و تعداد تقاضاهایی از نوع خوراک را نشان می‌دهد. در بین اقلام خوراکی درخواستی انوری، شراب با ۳۵ مورد تقاضا بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. به‌طور معمول، در این قطعات انوری با بهره‌گیری از شیوه واقع‌نگاری، ضمن توصیف محفل و بزم اش با حضور دوستان و معشوقان، از ممدوح خود شراب می‌طلبد.

خدایگانا مهمان بنده بودستند	تنی دودوش به‌سیکی و نقل ورود و شراب
به طبع خرم و خندان شراب نوشیدند	که بر خماهن گردون فروغ او سیماب
نه در مزاج کسی گرمی بد از سیکی	نه در دماغ کسی غلبه کرد قوت خواب
شرابشان نرسیده است و بنده در مانده	خدایگانا تدبیر بنده کن به شراب

(انوری، ۱۳۷۲: ۵۳۱)

من و نگار من امروز هر دو رگ زده‌ایم	من از حرارت عشق و وی از حرارت تب
بزرگ‌بار خدایی کنی و بفرستی	ورا شراب عناب و مرا شراب عنب

(همان، ۵۲۱)

همچنین با استفاده از چاشنی لغز و چیستان در یکی از قطعه‌های تقاضایی، از ممدوح خود شراب و گوشت و مزه درخواست می‌کند. در این قطعه، او از ممدوح خود طمع تصحیف مقلوب لفظ پارس را دارد. مقلوب لفظ پارس، سراپ و مصحف آن شراب است. تصحیف قافیه مصرع آخر هم کوست که تصحیف آن گوشت می‌شود و در نهایت از ممدوح می‌خواهد که چیزی را که اگر آن را قلب کنی، باز خود او حاصل گردد، با شراب همراه کند. چیزی مانند نان، کبک و کزک که در زبان فارسی به آن مزه می‌گویند.

مقلوب لفظ پارس به تصحیف از گفت	دارم طمع که علت بامن زدست کوست
تصحیف قافیه که به مصرع آخرست	گرضم کنی بر آنچه مسماست هم نکوست
آن دو لطیف راسیمی هست هم لطیف	و آنچس کنی تو قلب بمقلوب او هم اوست
امروز اگر از این سه برون آریم بچود	فردا ز شکر هر سه برون آرمت ز پوست

(همان، ۵۶۳)

در قطعه‌ای دیگر تقاضایش را با تهدید به هجا توام می‌کند و از ممدوح خود حمیدالدین نی‌شکری وعده داده شده را طلب می‌کند.

آفتاب سخا حمیدالدین	دور از مجلس تو مرگ فجرا
نی‌شکر گفته‌ای و می‌نرسید	شاعرم هم به مدح و هم به هجا

(همان، ۵۱۵)

انوری در قطعه‌ای دیگر، با استفاده از زیبایی آرایه‌ی تناسب و با امید به تاثیر این زیبایی در تحریک روح سخاوت ممدوحش، نسیم، سوسن، بنفشه، لاله و نوبهار را به خدمت می‌گیرد تا به ممدوح خود یادآوری کند که زمانی به او عرق نسترنی را وعده داده است که هنوز از آن خبری نیست.

ایا به عالم عهد از تو نوبهار وفا	چرا چنین ز نسیم صبات بی‌خبرم
به صد زبانت چو سوسن بگفته‌بودم دی	که چون بنفشه ز سستی فرو شده‌است سرم
گر اندکی عرق نسترن به دست آری	به من فرست و گرنه بگوی تا بخرم
زبان چو لاله به گرد دهان درافگندی	که گر نیارمت از سبزه دمن بترم

(همان، ۶۸۵)

جدول ۱- فراوانی تقاضای خوردنی

ردیف	نوع تقاضا	فراوانی	شماره قطعه
۱	شراب	۳۵	۷، ۲۰، ۲۱، ۳۳، ۲۴، ۴۲، ۴۹، ۷۳، ۹۶، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۵۷، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۷۷، ۳۸۸، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۶۸، ۲۸۶، ۴۰۳، ۲۸۷
۲	گوشت	۱	۹۶
۳	خریزه	۱	۷۲
۴	عرق نسترن	۱	۳۴۹
۵	سکنجبین	۱	۹۷
۶	شکر	۱	۲۷۷
۷	نی شکر	۱	۹
۸	مزه	۱	۹۶
۹	یخ	۱	۱۴۰
۱۰	سرکه	۱	۴۲۲
۱۱	آبکامه	۱	۴۲۲

۲-۱-۲- پوشیدنی‌ها:

لباس از جمله ملزوماتی است که انسان برای محافظت از گرما، سرما و همچنین زینت و تجمل استفاده می‌کند. اما دشواری تهیه منسوجات در گذشته، باعث ارزشمندی انواع پوشش‌ها بوده است. بر همین اساس، یکی از هدایای معمول دربار شاهان تحت‌عنوان خلعت، انواع جامه و پوشیدنی با جنس‌ها و بافت‌های متنوع است. انوری نیز در برخی از تقاضاهای خود از ممدوحانش انواع پوشیدنی‌ها را درخواست کرده‌است. جدول (۲) فراوانی انواع پوشش‌های مورد تقاضای انوری را نشان می‌دهد. موزه و کفش با سه مورد درخواست، بیشترین تقاضا را در این گروه به خود اختصاص می‌دهد.

فخر دین یک التماس است از توام
روزها شد تا همی پنهان کنم
خرده اکنون در میان خواهم نهاد
بر تو و بر خویشان آسان کنم

کبشکی داری اگر بخشی به من
خوشتن در پیش تو قربان کنم
(همان، ۶۹۳)

انوری همچنین در دو قطعه، از ممدوحان خود تقاضای بخشش قبا را دارد.

بدان که موسم آن است مثل و جنس مرا
عجب مدار که اندیشه مندیی دارم
که روز چند برآرند رنگ بر بوزه
به تازه کردن این کهنه های نادوزه
ز داه ریزه ام آکنده خانه ای است چو گور
همه دو دست به هم بر نهاده چون کوزه
اگر کرامت و دلسوزیی کنی چه عجب
که باد عالمت از دوستان دلسوزه
(همان، ۷۱۹)

جدول ۲- فراوانی تقاضای پوشیدنی

ردیف	نوع تقاضا	شماره قطعه	فراوانی
۱	قبا	۲۶۳، ۴۲۰	۲
۲	عتابی	۲۹۸	۱
۳	موزه و کفش	۳۶۳، ۲۶۸، ۲۷۳	۳
۴	پیراهن کتان سنبلی	۳۹۲	۱
۵	مسحی و رانین	۳۹۴	۱

۲-۱-۳- اسباب و لوازم زندگی

بخشی از لوازم مورد درخواست انوری در قطعات تقاضایی مربوط به اسباب و لوازمی می شود که در زندگی روزمره ی آن روزگار مورد نیاز بوده است جدول (۳). در این نوع قطعات تقاضایی، انوری از کوچکترین تا بزرگترین احتیاجات خود دست به قلم برده و فارغ از مناعت طبع، کدیه وار درخواست های حقیرانه اش را با ممدوحان خود در میان گذاشته است. تاریکی شب ها و نیاز به روشنایی، یکی از دشواری های دوران گذشته است، به خصوص برای شاعری که بسا قریحه و ذوق شاعری اش، به ناگاه در تاریکی شب به غلیان درمی آید و برای ثبت این تراوشات روحی، نیاز به روشنایی، کاغذ و دوات دارد. از جمله تقاضاهای خاص انوری، درخواست پنبه و روغن برای روشنایی، کاغذ و سیاهی برای نوشتن اشعارش است. نمونه های زیر، قطعه هایی است که بیان حال انوری و شرح نیاز او به اقلامی است که تهیه آن از عهده بزرگان و طبقه مرفه جامعه برمی آمده است.

پنبه و روغن:

ایا خورشید و مه در پیش رایت تیره و تاری

به روز و شب گهی خورشید و ما هم ثقبه روزن

پس این سردی و تاریکی که در من هست باز مخر

از این سردی و تاریکی به اندک پنبه و روغن

(همان، ۷۰۵)

شمع:

صعب و تاریک است دور از وصل تو شب‌های من

شمع‌ها باید که این تاریک را روشن کند

پاره‌ای از اعتقاد خویش نزد من فرست

تا شبم را روشن و این حجره را گلشن کند

ورنه فراش سرای مکرمت رانصب کن

تا دو دانگی در وجوه یک منی روغن کند

(همان، ۶۲۱)

کاغذ:

ماجرایی خرده‌وار اندر میان خواهم نهاد

باورم کن گرچه کس را از من این باور نشد

دسته‌ای ده کاغذم فرموده‌ای آن روزها

در تقاضا گرچه ز آن پس نوک کلکم تر نشد

خواستم تا قطعه‌ای پردازم امروز اندر آن

زین مطول‌تر ولیکن زین مطول‌تر نشد

ز آن که چون اندیشه کردم از بیاضش چاره نیست

حالی از بی‌کاغذی دستم به نظمش در نشد

(همان، ۶۰)

همچنین، تنگی و عسرت معیشت به خاطر اختلال حال به دلیلی ناگفته، انوری را بر آن می‌دارد که با وجود صایم بودن و کوشش در صواب و دست کشیدن از خطا، در یکی از قطعه‌ها از ممدوح خود تقاضا کند که از طریق کرم، برای دیگک نیم جوشیده‌اش، دو چوب بفرستد. ممدوحی که به گفته‌ی خود شاعر از تجاسرهای او ملول است.

ای ز دست تجاسر خادم	شربهای ملال نوشیده
اختلالی که حال من دارد	نیست بر خاطر تو پوشیده
بدو ایام بیض و من صایم	و ز خطا در صواب کوشیده
نیم جوشیده دیگکی دارم	قلقلش گوش نا نیوشیده
از طریق کرم توانی کرد	بدو چوبش تمام جوشیده

(همان، ۷۱۸)

جدول ۳- فراوانی تقاضای اسباب و لوازم زندگی

ردیف	نوع تقاضا	فراوانی	شماره قطعه
۱	کاغذ	۳	۴۳۹، ۳۳۲، ۱۹۱
۲	سیاهی	۱	۳۰۱
۳	کاه	۲	۴۰۳، ۱۸۸
۴	پنبه و روغن	۲	۲۴۲، ۳۸۹
۵	کیسه	۱	۳۵۲
۶	کارد	۱	۳۵۲
۷	هیزم	۱	۴۱۸
۸	جنیت	۱	۱۵۱
۹	جو	۲	۴۳۴، ۴۷
۱۰	اسب	۳	۴۸۶، ۱۵۱، ۵۶
۱۱	زین	۱	۵۶
۱۲	فرش	۱	۵۶
۱۳	خیمه	۱	۵۶

۱۴	روشنایی و شمع	۱	۲۱۷
۱۵	عود	۱	۲۷۷

۲- ۱- ۴- راتبه، صله:

در سنت شعر گذشته فارسی، شاعران مدیحه‌سرا به‌عنوان یکی از ارکان دربار شاهان، در ازای همنشینی با سلطان و انتساب به دربار از ممدوح خود مقرری و راتبه دریافت می‌کنند. علاوه برآن، به خاطر خلق قصاید در مناسبت‌ها و به تصویرکشیدن رخدادهای مهم دربارشاهی در زبان شعر، پاداشی اصطلاحاً صله نیز به آنان تعلق می‌گیرد و یا در حواله و براتی آن را به شاعر وعده می‌دهند. اما گاه پرداخت مقرری، صله و وعده‌های مالی ممدوحان به تاخیر می‌افتد. انوری در تعدادی از قطعات تقاضایی خود، وظیفه و مقرری پرداخت‌نشده، صله، برات انعام، سکه‌های وعده‌داده شده در بزم‌های درباری را به ممدوحان خود یادآوری می‌کند. در ۱۲ مورد از این قطعات با نام تقاضا، لطف و احسان، انوری با این که به صراحت، مورد تقاضای خود را بیان نمی‌کند؛ اما در لفافه ستایش جود و سخاوت ممدوح و گله و شکایت از بی‌خبری او، بخشش و توجه مادی ممدوح را التماس می‌کند.

شعری به‌سان دیبه‌زربفت بافتم
و آن‌گه به سوی صدر مجیری شتافتم
عیب من این که نیستم از شعری سپهر
ورنه به فضل موی معانی شکافتم
گر پرسدم کسی که ز جودش چه یافتی
ای آفتاب جود بگویم چه یافتم؟
(همان، ۵۴۳)

وی در یکی از قطعه‌های تقاضایی، با مخاطب قرار دادن ممدوح و بیانی شیرین و محاوره‌ای به شرح وضعیت خود می‌پردازد و ممدوح خود را آگاه می‌کند که هنوز انعام و احسان او را دریافت نکرده است.

ای خداوندی که بر درگاه جاهت بنده‌وار

چرخ و انجم سال‌ها اجری و راتب خورده‌اند

بنده را فخر الزمان اسحق و چندین کس جز او

تازه از انعام تو چیزی حکایت کرده‌اند

گر درستست این سخن معلوم کن تا آن برات

خود که آورده‌است و کی باری به من ناورده‌اند

(همان، ۶۱۳)

جدول (۴) این گونه درخواست‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴- فراوانی تقاضای صله و راتبه

ردیف	نوع تقاضا	فراوانی	شماره قطعه
۱	وظیفه	۱	۳۰۹
۲	سیم گرمابه	۱	۳۳۷
۳	راتبه	۲	۲۲۵، ۱۹۷
۴	برات انعام	۳	۳۲۷، ۲۴۶، ۲۰۳
۵	صله و پاداش	۱	۳۸
۶	تقاضا	۷	۴۵۷، ۴۶۹، ۴۵۹، ۴۲۹، ۳۳۸، ۲۸۹، ۸۱
۷	لطف	۳	۴۵۸، ۴۵۷، ۳۶
۸	احسان	۲	۱۹۰، ۶۸

۲-۲- تقاضاهای غیرمادی:

هرچند نیاز مادی، محرومیت و تنگدستی مهم‌ترین دلیل روی آوردن شاعران به دربار سلاطین بوده است تا با فراغت از فکر معاش، ضمن ستایش خواسته و یا ناخواسته شاهان و درباریان، جلوه‌های ذوق و اندیشه‌اش را با سرودن شعر و آفرینش مضامین نو آشکار سازد؛ اما فارغ از نیازهای مادی، طبع لطیف و انسانی شاعران به عشق، محبت و دوستی‌ها و گاه نیز کینه، خشم و غضب گرایش دارد. این امر در مورد انوری نیز صدق می‌کند. با همه تصویری که از روحیه مادی‌گرای انوری وجود دارد، تعدادی از تقاضاهای انوری جنبه غیرمادی دارند. چنان‌که در تعدادی از قطعه‌ها که با عنوان حضور دوست در جدول آمده است، طالب حضور دوستانش در کنار خود است.

جایی که در و طرب فزاید

چنگی تر و خوش همی‌سراید

جایی است نشسته چاکر تو

با مطربه‌ای چو ماه تابان

اسباب نشاط جمله داریم جز طلعت تو که می‌باید
درخواست همی‌کنیم هر دو تشریف دهد سبک بیاید
(همان، ۶۳۵)

در قطعه ۳۴۴ نیز از فردی، فرستادن نامه و باز کردن باب مکاتبه، محبت و دوستی را تقاضا می‌کند.

ز روزگار به یک نامه‌ی تو خرسندم که در دعا همه آن خواهم از خداوندم
شنیده‌ام که به خرسند کم گراید غم غم چراست که از تو به نامه خرسندم
(همان، ۶۸۳)

کینه و دشمنی هم از جمله خصایص انسانی است. انوری در قطعه ۱۱ عزل خواجه شهاب نامی را از ممدوح خود تقاضا می‌کند.

ای صدر نایی به ولایت فرست زود معزول کن شهابک منحوس دزد را
زره‌ای بی‌شمار به افسوس می‌برد آخر شمار او بکن از بهر مزد را
(همان، ۵۱۶)

در همان حال، با سرودن قطعاتی از ممدوحانی اجازه دخول به بارگاهشان را می‌خواهد که به دلایلی چون فراموشی، خشم و غضب آن‌ها، از محضرشان دور مانده است.

ای خاک درت سرمه شده چشم‌ولی را از بس که کف پای تو بر خاک درآید
بر درگه تو بند به پای است به خدمت دستوری او چیست رود یا که درآید
(همان، ۶۳۹)

جدول (۵) تقاضاهای غیرمادی انوری را نشان می‌دهد.

جدول ۵- فراوانی تقاضاهای غیرمادی

ردیف	نوع تقاضا	فراوانی	شماره قطعه
۱	نامه	۱	۳۴۴
۲	حضور دوست	۵	۱۸۹، ۴۳۰، ۴۱۳، ۲۴۸، ۲۴۵
۳	اجازه دخول به بارگاه	۴	۲۴۹، ۱۹۶، ۷۸، ۵
۴	عزل	۱	۱۱

۲-۳- مادی گرایی انوری

تقاضاییه و گزافه‌های انوری در مدیحه‌پردازی در کنار اشعاری در ستایش قناعت، عزلت‌گزینی، نصیحت نفس و نیز پاره‌ای نظرات انوری در نکوهش شعر و شاعری، دستاویز ادبا برای توجه به خلق و خوی انوری است. مخاطبان شعر انوری، به‌ویژه معاصرین همواره با بیان وجود نوعی دوگانگی در شعر انوری، به افراط انوری در ستایشگری اعتراض و به آن انتقاد کرده‌اند. «انوری همواره میان زهد و حرص، خردگرایی و خردستیزی و مفاخره به شعر و نفرت از شعر در نوسان است و تناقض مرکزی وجود او را این نکات تشکیل می‌دهد. این تناقض‌ها در شعر کمتر شاعری تا بدین حد خود را آشکار کرده‌اند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۱۱۲). نیز (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۱۴۸-۱۴۹) و (فرووزانفر، ۱۳۵۰: ۳۳۶-۳۳۸).

وجود این تناقض‌ها در شعر انوری، او را به فقدان پایگاه روحی استوار (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۱۴)، خطیب مزدور (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۱۴۹) و باده‌خواری منهک با زبانی آزاردهنده و هجاگو (انوری، ۱۳۷۲: ۱۱۸) متهم می‌کند. برخی از منتقدان انوری، با اعتقاد به این‌که انوری در تلاطم گردابی بین خوب و بد، کرانه‌ای نمی‌یافته است، گاه در کشف علت این پارادوکس‌ها، به گوشه‌نشینی و عزلت انوری در پایان عمر متوسل می‌شوند تا علت این تناقض گویی‌ها و دوگانگی روحی را حاصل دو دوره متفاوت زندگی انوری بدانند. «وقتی علا الدین غوری او را نزد خود خواند قطعه‌ای بدین مطلع گفت:

کلبه‌ای کاندرو به روز و به شب
جای آرام و خورد و خواب من است
به انزوا و عزلت خویش اشاره کرده، از رفتن استعفا خواست و همچنین در قطعه دیگر هم که گوید:

دی مرا عاشقکی گفت غزل می‌گویی

گفتم از مدح و هجا دست بیفشاندم هم

گفت چون گفتمش آن حالت گمراهی رفت

حالت رفته دگر باز نیاید زعدم

همین معنی را خواسته و ترک شعر و شاعری خویش را بیان کرده است. «(همان، ۳۲) انوری با توجه به شرح حال و قراین بازمانده در اشعارش، فردی فاضل و دانشمند است. نگاه او به شعر نگاهی از سر خشنودی نیست. او به این شیوه که برای اندک صله‌ای، در برابر انسانی همانند خود، سر فروافکنده، دست‌گذاری را در پیش دارد، راضی نیست. او این

اعتراض خود را بارها با مذمت شعر و شاعری نشان می‌دهد.

تو اگر شعر نگویی چکنی ای خواجه حکیم

بی وسیت نتوانی که بدرها پویی

من اگر شعر نگویم پی کاری گیرم

که خلاصی دهد از جاهلی و بدخویی

من همه شب ورق زرق فرو می‌شویم

تو همه روز رخ آ ز به خون می‌شویی

قیمت عمر من و عمر تو یکسان نبود

کانچه من جویم از این عمر تو آن کی جویی

باد رنگین بدل عمر که در خانه نهند

بوی آن می برم الحق تو همانا اویی

ضایع از عمر من آنست که شعری گویم

حاصل از عمر تو آنست که شعری گویی

(همان، ۷۶۱)

و گاه خود را برای دوری از حرص، شعر و کدیه اندرز می‌دهد.

انوری شعر و حرص چیست این یکی طفل و آن دگر دایه

پایه حرص کدیه و طمعند تا نگردي بگرد آن پایه

تاج داری خروس وار از علم چکنی همچو ماکیان خایه

(همان، ۷۲۴)

با این همه، زمانی نیز نمی‌تواند از انعام و صله ممدوحان چشم طمع بردارد و از نامساعدی بختش در شاعری شکوه می‌کند.

شعر تر و خوب بنده می‌گوید انعام نصیب غیر باشد

این رسم نو آمده است امسال ان شاء الله که خیر باشد

(همان، ۶۰۵)

با این حال، باتوجه به نبود نشانه‌های تاریخی برای دریافت زمان و ضرورت‌های حقیقی انوری در سرایش انواع شعر، این استنباط که شعر انوری حاصل دو دوره زندگی و برآمده از دو روحیه و خصلت متفاوت حریص و گدامنش و یا قانع و با مناعت طبع است، استدلالی غیرمنطقی است. داده‌های اولیه این پژوهش و بسامد و انواع تقاضاهای مادی و غیرمادی انوری نشانه‌هایی را در خود دارد که چه بسا بتواند اندکی به شناخت انگیزه‌های انوری با توجه به گرایش‌های خلقی او به ویژه در سرودن قطعات تقاضایی کمک کند. بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش، بیشترین تقاضایی انوری را تقاضاهای مادی با ۹۶ مورد در مقابل ۱۱ مورد تقاضای غیرمادی تشکیل می‌دهند. بر این اساس می‌توان انوری را دارای روحیه‌ای مادی‌گرا دانست. جدول (۶) فراوانی انواع تقاضاهای مادی و غیرمادی در قطعه‌های انوری را نشان می‌دهد.

جدول ۶- مقایسه فراوانی انواع تقاضاهای مادی و غیرمادی

	درصد	فراوانی	نوع تقاضا	فراوانی	درصد	
تقاضای مادی	۹۶	۸۹/۸	خوراک	۴۶	۴۲	شراب ۳۵
			پوشاک	۸	۷/۴	درصد ۳۲/۷
			اسباب و لوازم زندگی	۲۲	۲۰/۵۰	
			راتبه و صله	۲۰	۱۸/۷	
تقاضای غیرمادی	۱۱	۱۰/۲	نامه	۱	۰/۹	حضور دوست
			عزل	۱	۰/۹	۵
			حضور دوست	۵	۴/۶	۴/۶
			اجازه دخول به بارگاه	۴	۳/۷	

با توجه به یافته‌های پژوهش، درمیان تقاضاهای مادی، تقاضای خوردنی با ۴۶ مورد تقاضا بیشترین تقاضا را به خود اختصاص می‌دهد و در این میان شراب با ۳۵ مورد سهم اصلی را در میان همه تقاضاهای مادی و غیرمادی دارد. این یافته‌ها می‌تواند مصداقی روشن بر این نکته باشد که مطابق شرح احوال انوری، او فردی خوش‌گذران و عشرت‌طلب بوده است. علاوه بر این تقاضایی‌ها که به طور آشکار این خصلت روحی انوری را نشان می‌دهد، برخی از قطعه‌های تقاضایی غیرمادی که انوری با سرودن آن‌ها، حضور دوستی را طلب می‌کند نیز بر این عشرت‌طلبی صحه می‌گذارند. ضمن آن که انوری، درمیان خواسته‌های

متنوع خود، اقلامی چون عود، اسب، جنیبت، فرش را نیز از ممدوحان خود درخواست می‌کند که باتوجه به شرایط آن زمان جامعه، این خواسته‌ها در زمره‌ی اسباب رفاهی طبقه ثروتمند و مرفه اجتماع به شمار می‌آید.

در میان دیگر تقاضاهای مادی، در گروه پوشیدنی‌ها، کفش و موزه با ۳ مورد درخواست و قبا با ۲ مورد، بسامد بالاتری در بین دیگر پوشش‌ها دارد. این خواسته‌های انوری نیز از سویی به دشواری تهیه و ارزشمندی لباس اشاره می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند به علاقمندی انوری برای داشتن ظاهری متناسب با محافل درباری و مجالس بزم بزرگان اشاره داشته باشد. درخواست نیازهای حقیرانه‌ای چون کاغذ، کاه، پنبه و روغن و جو درحالی است که انوری در ۲۰ قطعه تقاضایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از ممدوحان خود، دریافت صله و هدیه‌های نقدی را تقاضا می‌کند. صله‌ها و هدایای پرداخت‌نشده‌ای که می‌تواند یکی از عوامل ناگزیری و ناچاری شاعر برای توسل به تقاضای سرائی با بهره‌گیری از شگردهایی چون طنز و کنایه باشد تا ضمن درخواست دوجوب برای دیگک نیم جوشیده‌اش، نهایت تنگی معیشت خود را به او نشان دهد. در ۷ مورد از این گونه تقاضاهای مادی، شاعر با کنایه و ضمنی بدون هیچ اشاره‌ای به نوع خواسته‌اش، لطف و احسان ممدوح را طلب می‌کند تا با بهره‌بردن از جوشش بحر سخاوت ممدوح، نیازهای معیشتی خود را برطرف کند. با این همه، تمامی نیازهای انوری در قالب تقاضاهای مادی مطرح نمی‌شود. تعدادی هرچند اندک از تقاضاهای او، تقاضاهای غیرمادی است. در میان تقاضاهای غیرمادی تقاضای همراهی و حضور دوست و حضور در بارگاه بزرگان به ترتیب با ۵ و ۴ مورد درخواست، بیشترین تقاضای غیرمادی انوری است. بسامد بالای این نوع تقاضا نیز دلیلی دیگر بر توجه روحی انوری به خوش‌گذرانی می‌تواند باشد.

همچنین رهاورد این جستار نشان می‌دهد، تقاضای کالاهای حقیرانه‌ای چون جو، کاه که اغلب در قالب تکنیک‌هایی چون طنز و کنایه درخواست می‌شوند، صرفاً تقاضای آن کالای خاص نیست، بلکه این گونه قطعات تقاضایی، پوششی برای نشان‌دادن عسرت و تنگی شاعر و در نتیجه مطالبه انعامی بیش از تقاضای موردنظر باشد.

دعا گو اسبکی دارد که هر روز	ز بهر کاه تا شب می خروشد
غزل می گویم و در وی نگیرد	دو بیتی نیز کمتر می نبوشد
توقع دارد از اصطبل مخدوم	که او را کولواری کاه نوشد
و گر که نیست در اصطبل مخدوم	در این همسایه شخصی می فروشد

(انوری، ۶۰۶: ۱۳۷۲)

۳- نتیجه‌گیری

انوری شاعر بزرگ قرن ششم را به مدیحه‌سرایی می‌شناسند؛ اما مدایح اغراق‌آمیز و درخواست‌های حقیرانه انوری در اشعار تقاضایی همراه با ستایش حکمت، خرد و قناعت قضاوت‌هایی را پیرامون شخصیت دوگانه و متناقض انوری به‌وجود آورده است. رهاورد این پژوهش با هدف تبیین انگیزه روحی انوری در سرودن قطعات تقاضایی نشان می‌دهد در مجموع ۴۹۳ قطعه موجود در دیوان انوری، ۱۰۰ قطعه تقاضایی وجود دارد. بر پایه یافته‌های این پژوهش، بیشترین قطعات تقاضایی انوری را تقاضاهای مادی با ۹۶ مورد (۸۹/۸ درصد) در مقابل ۱۱ مورد (۲/۱۰ درصد) تقاضای غیرمادی تشکیل می‌دهند. نتایج اولیه تحقیق حاضر، انوری را دارای روحیه‌ای مادی‌گرا معرفی می‌کند. همچنین در میان تقاضاهای مادی، تقاضای خوردنی با ۴۶ مورد تقاضا بیشترین تقاضا را به خود اختصاص می‌دهد و در این میان، شراب با ۳۵ مورد (۷/۳۲ درصد) سهم اصلی را در میان همه تقاضاهای مادی و غیرمادی دارد. که می‌تواند دلیلی روشن بر عشرت‌طلبی و خوش‌گذرانی انوری باشد. ضمن آن‌که بیشترین تقاضاهای غیرمادی او، تقاضای همراهی و حضور دوست در بزم و حضور در بارگاه بزرگان به ترتیب با ۵ و ۴ مورد درخواست، بر خوش‌باشی و توجه روحی انوری به خوش‌گذرانی صحه می‌گذارند.

از سوی دیگر، تقاضای کالاهایی چون جو، کاه و هیزم در قالب تکنیک‌هایی چون طنز می‌تواند صرفاً پوششی کنایه‌آمیز برای نشان دادن عسرت و تنگی معیشت شاعر به ممدوح و طلب انعامی بیشتر باشد. ضمن آن‌که انوری در میان خواسته‌های متنوع خود، اقلامی چون عود، اسب، جنیبت، فرش را نیز از ممدوحان خود درخواست می‌کند که باتوجه به شرایط آن زمان جامعه، این خواسته‌ها در زمره‌ی اسباب رفاهی طبقه ثروتمند و مرفه اجتماع و نشان دهنده روح مادی‌گرای اوست.

بر این اساس، به نظر می‌رسد تناقض در شعر انوری، مدیحه‌پردازی و درخواست‌های حقیرانه توأم با ستایش قناعت و خویش‌داری، حاصل مقتضیات زمان و مکان است. چنان‌که در احوال انوری آمده است، انوری فردی عشرت‌طلب و خوش‌گذران بوده که ثروت پدری خود را در اندک زمانی به باد فنا می‌دهد. با تمام فضل و دانش انوری، گذران امور زندگی از راه علم برای شخصی با روحیه‌ی انوری دشوار بوده است و راه شاعری راهی آسانتر برای تامین نیازهای معیشتی. در ایام شاعری نیز با وجود دریافت صله و پاداش‌های بی‌شمار، آنچه به درخواست‌های حقیرانه او دامن زده، روحیه خوش‌گذران و توأم با تساهل اوست.

منابع

- ۱- انوری، اوحدالدین. (۱۳۷۲). **دیوان اشعار**. تصحیح محمدتقی مدرس‌رضوی. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). **فرهنگ‌نامه ادبی فارسی**، ج ۲. چاپ دوم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی.
- ۳- جامی، عبدالرحمان. (۱۳۶۷). **بهارستان**. تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
- ۴- جوادی‌امامزاده، هادی و عبیدی‌نیا، محمدمیر. (۱۳۹۳). «عناصر شریعت دوگانه شاعرانه‌ی انوری». *مجله شعرپژوهی دانشگاه شیراز*. سال ششم. شماره‌ی سوم. پیاپی ۲۱.
- ۵- حسن‌زاده، شهریار. (۱۳۹۲). «دربار ادبی آل چوپان و حسام‌الدین خویی». *نشریه بهارستان‌سخن*. شماره ۲۲. صفحه ۵۲.
- ۶- خالقی‌راد، حسین. (۱۳۷۵). **قطعه و قطعه سرایی در شعر فارسی**. چاپ اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۷- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۳). **با کاروان حله**. چاپ سوم. تهران: جاویدان.
- ۸- _____ . (۱۳۶۳). **شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب**. چاپ چهارم. تهران: جاویدان.
- ۹- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۴). **مفلس کیمیا فروش**. چاپ دوم. تهران: سخن.
- ۱۰- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۵۰). **سخن و سخنوران**. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- ۱۱- کرمی، محمدحسین، مرادی، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی سیمای معشوق در انوری»، *پژوهش‌نامه ادب غنایی*. سال هشتم. شماره‌ی پانزدهم. ۱۳۸۹. صص ۹۹-۱۱۸.
- ۱۲- وزین‌پور، نادر. (۱۳۷۴). **مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی**. چاپ اول. تهران: معین.
- ۱۳- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۳). **چشمه‌ی روشن، دیداری با شاعران**. تهران: علمی.